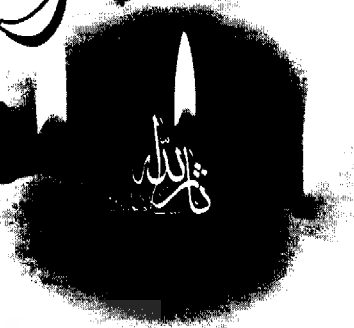


سخنرانی حضرت زینب علیها السلام در شام

آموزه‌های آموزنده آن



عبدالکریم پاک نیا تبریزی

مقدمه

پرداخت؛ اما قبلاً چند نکته مقدماتی را

بیان می‌کنیم:

الف. روضه خوانی در مجلس یزید

حضرت زینب علیها السلام از بنیانگذاران عزاداری در سوگ سالار شهیدان - بعد از شهادت امام علیه السلام - است. آن احیاگر فرهنگ عاشورا از اولین روضه خوانان و گریه کنانی است که بعد از اقامه عزای امام حسین علیه السلام در کربلا و کوفه، در شام به این امر مهم می‌پردازد و نهضت عاشورا را با ناله و سوز دل زنده می‌دارد. هنگامی که آن بانوی داغدیده را بعد از یک سفر طولانی و پر زحمت، به عنوان اسیر در دمشق به مجلس یزید وارد

شخصیت والای دخت امامت،

حضرت زینب علیها السلام الگوی شایسته‌ای برای زنان و مردان حقیقت جوی عالم است. رفتار و گفتار این شیر زن عاشورایی چنان تاریخ را تحت تأثیر قرار داده است که بعد از ۱۴۰۰ سال، حقیقت جویان عالم از آن گرمای راه زندگی شرافتمندانه را می‌آموزند.

بیانات و سخنرانی آموزنده و شیوای آن حضرت علیها السلام در شام، نکات و پیامهای آموزنده بسیاری برای شیفتگان و پیروان اهل بیت علیهم السلام در بر دارد که در این نوشتار به برخی از آنها خواهیم

لَعِبَتِ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا
خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ
لَسْتُ مِنْ عُتْبَةَ إِنْ لَمْ أَنْتَقِمْ
مِنْ بَنِي أَحْمَدَ مَا كَانَ فَعَلَ
«ای کاش بزرگان من که در روز
جنگ بدر کشته شدند، زاری قبیله
خزرج را از فرود آمدن ضربات ما
می دیدند و از شادی فریاد می زدند و
می گفتند: دست مریزاد ای یزید! (به
جای جنگ بدر بزرگان و مهتران آنها را
کشتیم و بی حساب شدیم).

طایفه هاشم با سلطنت بازی کردند،
هرگز خبری از آسمان نیامده و وحیی
نازل نشده است. من فرزند عتبه نیستم،
اگر انتقام کارهای احمد را از فرزندانش
نگیرم».

ابو برزه اسلمی با دیدن آن صحنه،
طاقت نیاورد و فریاد زد: «ای یزید! وای
بر تو آیا با چوب خیزران به دندانهای
حسین بن فاطمه علیها السلام می زنی؟ با چشمان
خودم دیدم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
این دندانهای حسین و برادرش حسن
را می مکید و می بوسید و به ایشان می
فرمود: «أَنْتُمْ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَتَقْتُلُ
اللَّهَ قَاتِلِكُمَْا وَ لَعْنَةُ وَ أَعَدَّ لَهُ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ

کردند، چشم حضرت به سر بریده امام
حسین علیه السلام افتاد که در طشت طلا قرار
داشت؛ دست برد، گریبان چاک کرد
و با صوت حزین و ناله های جانسوز
فریاد زد: «يَا حُسَيْنَا يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ!
يَا ابْنَ مَكَّةَ وَ مِنِي! يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الرَّهْءَاءِ
سَيِّدَةَ النِّسَاءِ! يَا ابْنَ بِنْتِ الْمُصْطَفَى!»

زینب کبری علیها السلام چنان عواطف و
احساسات حاضران در مجلس را تحت
تأثیر قرار داد که تمامی حضار به گریه
درآمدند. آن گرمی با این رفتار خود،
مجلس عیش و نوش یزید را به عزاخانه
امام حسین علیه السلام تبدیل کرد؛ به گونه ای
که یزید نیز با خودباختگی تمام سکوت
کرد.

آن گاه برای جبران حقارت خود در
حالی که دوباره با چوب خیزران به لب
و دندان امام حسین علیه السلام می زد، اشعاری
را که در أخذ برای شادکامی از شکست
مسلمانان سروده شده بود، با ترکیب
چند بیت از خویشان می خواند:

لَيْتَ أَشْيَاخِي بِبَدْرِ شَهِيدُوا
جَزَعَ الْخَزْرَجِ مِنْ وَقْعِ الْأَسَلِ
فَأَهْلُوا وَ اسْتَهْلُوا فَرِحَا
ثُمَّ قَالُوا: يَا يَزِيدُ لَا تُسَلِّ

حضرت زینب علیها السلام از بنیانگذاران عزاداری در سوگ سالار شهیدان - بعد از شهادت امام علیه السلام - است

مَصِيرًا! ^(۱) شما دو فرزندم، آقای جوانان اهل بهشت هستید، خداوند لعنت کند و بکشد قاتل هر دوی شما را و جهنم را برای او آماده کند و جهنم چه بد منزلگاهی است؟! یزید عصبانی شد و دستور داد ابو برزه اسلمی را از مجلس اخراج کنند.

ب. اهمیت اقامه عزای امام حسین علیه السلام

چون از منظر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام اقامه عزا به امام حسین علیه السلام، اهمیت والایی دارد و زینب کبری علیها السلام قبل از ایراد خطابه تاریخی خود به عزاداری و ذکر مصائب سید الشهداء علیه السلام پرداخته است و با لطف خداوندی، از روح بلند حضرت اباعبدالله علیه السلام به این وسیله استمداد جسته است، ما هم با نقل دو روایت کوتاه از روایات انبوهی که در این باره وجود دارد به آن گرامی توسل

۱. مقتل خوارزمی، موفق بن احمد خوارزم، نشر مفید، قم، بی تا، ج ۲، ص ۶۴ و تذکره الخواص، سبط بن جوزی، موسسه اهل بیت علیهم السلام، بیروت، بی تا، ص ۲۳۵.

می جویم و به مخاطبان گرامی تقدیم می کنیم:

۱. هنگامی که پیغمبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله فاطمه اطهر علیها السلام را از شهادت و مصائب فرزندش حسین علیه السلام آگاه کرد، آن بانوی بزرگوار شدیداً گریست و گفت: «پدر جان! این مصائب در چه موقعی رخ می دهد؟» فرمود: «در آن زمانی که من و تو و علی در دنیا نباشیم!» گریه حضرت زهرا علیها السلام شدیدتر شد و گفت: «پدر جان! پس چه کسی برای حسینم گریه خواهد کرد و چه کسی متصدی عزاداری وی خواهد شد!» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای فاطمه! زنان امت من بر زنان اهل بیت و مردان ایشان بر مردان اهل بیت من گریه خواهند کرد. همه ساله گروهی پس از دیگری، عزاداری را ادامه خواهند داد. هنگامی که روز قیامت فرا رسد تو زنان امت من و من مردان آنان را شفاعت خواهیم کرد. هر یکی از ایشان که در مصیبت امام حسین علیه السلام گریه کند ما دست او را می گیریم و داخل بهشت می کنیم.» آن گاه ادامه داد: «يَا فَاطِمَةُ كُلِّ عَيْنٍ بَاكِئَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - إِلَّا عَيْنُ بَكْتِ

بخشی از کمالات خویش را به نمایش گذاشت. شجاعت و دلاوری، فصاحت و بلاغت، علم تفسیر، فن خطابه، روان‌شناسی، تربیت و سیاستمداری برخی از جلوه‌های این کمالات بود.

آن حضرت در این خطبه با هنرمندی تمام، حضور یک زن مسلمان را به همراه عفت و ایمان در جامعه نمایان ساخت. تلاش برای احیای حق و اصلاح جامعه، تحریک مردم علیه فساد و ستم، تبلیغ در زمان اسارت و داشتن استقامت و اراده قوی، برخی از صفات برجسته و کمالات وجودی عقیده بنی هاشم علیهم‌السلام در این خطابه است.

قهرمان کربلا با اینکه در حال اسارت بود و در مجلسی سخن می‌گفت که به او با چشم تردید و حقارت نگاه می‌کردند و فضای رعب و وحشت از قدرت یزید، مجلس را کاملاً فرا گرفته بود، نه تنها قدرت و حاکمیت پوشالی یزید را اصلاً به حساب نیاورد، بلکه آنچنان در سخنانش او را تحقیر و تویخ کرد که گویا شخصیتی معظم و بزرگ، با کودکی خردسال صحبت می‌کند. آن

عَلَىٰ مُصَابِ الْحُسَيْنِ - فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ: ^(۱) ای فاطمه! هر چشمی، فردای قیامت، گریان است، غیر از چشمی که در مصیبت حسین گریه کند؛ زیرا صاحب آن چشم، خندان، و مژده نعمتهای بهشت به وی داده خواهد شد.»

روزی که گلِ آدم و حوا بسرشتند
بر نام حسین بن علی گریه نوشتند

فرمود نبی در صفت گریه کنانش

والله که این طایفه از اهل بهشتند

۲. امام باقر علیه‌السلام نیز درباره گریه

بر مصائب امام حسین علیه‌السلام فرمود: «مَنْ

ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَىٰ مُصَابِ الْحُسَيْنِ وَ لَوْ

مِثْلَ جَنَاحِ الْبَعُوضَةِ عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ

كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ؛ کسی که چشمانش

در مصیبت امام حسین علیه‌السلام اشک آلود

شود ولو اینکه به اندازه بال یک مگس

باشد، خدا گناهانش را می‌آمرزد، گرچه

به اندازه کف دریا باشد.»

ج. برتری معنوی زینب علیه‌السلام در فضای

خفقان

حضرت زینب علیه‌السلام با ایراد خطابه

تاریخی، حماسی، علمی و فنی خود،

۱. همان.

بانو با توجه به مسئولیتی که بر عهده داشت، بدون توجه به اوضاع بحرانی شام و مشکلات و مصائب خود، با آمادگی کامل، همانند شیری غرنده از جا برخاست و با صدایی رسا و آهنگی علی گونه، خطبه کوبنده خود را - که هر شنونده‌ای را به تحسین وامی داشت - با اعتماد به نفس کامل به پایان برد.

پیامهایی از خطابه زینب علیها السلام

هنگامی که یزید با آن اشعار کفرآمیز، اندیشه‌های باطل خود را آشکار ساخت و همگان فهمیدند که مبارزه امام حسین علیه السلام در برابر یزید، مصاف جبهه حق و باطل بوده است، آن بزرگ پرچمدار نهضت عاشورا با کمال شهامت به پا خاست و خطبه معروف خود را در مجلس یزید ایراد فرمود. در اینجا با ذکر فرازهایی از آن خطبه مهم و ترجمه آن، به برخی از پیامهایش نیز می‌پردازیم:

۱. شکر الهی در همه حال

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِصْبِرْ نَفْسَكَ عِنْدَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ رَزِيَّةٍ فِيهِ وَ لَدِ أَوْ فِي مَالٍ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا نَمَّا يَقْبِضُ عَارِيَتَهُ وَ هَبْتَهُ

لِيَبْلُوَ شُكْرَكَ وَ صَبْرَكَ»^(۱) خود را در مقابل هر بلا و گرفتاری در مال و اولاد، صابر و شکیبا بساز که خداوند، امانتها و بخشش خود را باز پس می‌گیرد تا اینکه صبر و شکر تو را بیازماید [که در این مواقع آیا شاکر و صابر هستی یا نه؟]

دختر گرامی علی نیز در اوج مصائب و گرفتاریها، به عنوان یک بنده کامل، شاکر و صابر، اول به حمد و ستایش خداوند می‌پردازد و این گونه سخن خود را آغاز می‌کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ؛ حمد و سپاس، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و همه اهل بیت او.»

۲. توجه به کلام وحی

استناد به آیات قرآن برای هر گوینده ای ضرورت دارد؛ زیرا کلام وحی یکی از منابع متقن و قابل پذیرش جامعه بشری است و ریشه در فطرت انسانها دارد و دلهای حقیقت جو و کمال طلب از آن استقبال می‌کنند.

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۹۴، باب الصبر و اليسر بعد العسر.

خطابه تاریخی، بارها به آیات وحی استناد کرد و به سخنان شیوای خود استحکام بخشید.

حضرت زینب علیها السلام سخنان خود را با آیه ای از قرآن آغاز می کند و می فرماید: «صَدَقَ اللهُ كَذَلِكَ يَقُولُ: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ﴾»^(۳) «سخن خداوند متعال راست است که این گونه فرمود: سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به سخره گرفتند.»

۳. موقتی بودن پیروزی ستمگران

بدون تردید، ستم و ستمگران، محکوم به فنا و نابودی هستند و آنان در این جهان، طبق سنت تغییرناپذیر الهی، کیفر اعمال زشت خود را به زودی خواهند دید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «ثَلَاثٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجَّلُ عُقُوبَتُهَا وَ لَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ عُقُوبُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْبُغْيُ عَلَى النَّاسِ وَ كَفْرُ الْإِحْسَانِ»^(۴) سه دسته از گناهان است که در کیفر

۳. روم / ۱۰.

۴. امالی، شیخ مفید، نشر کنگره مفید، ص ۲۳۷، المجلس الثامن و العشرون.

قهرمان کربلا با اینکه در حال اسارت بود و در مجلسی سخن می گفت که به او با چشم تردید و حقارت نگاه می کردند و فضای رعب و وحشت از قدرت یزید، مجلس را کاملاً فرا گرفته بود، نه تنها قدرت و حاکمیت پوشالی یزید را اصلاً به حساب نیاورد، بلکه آنچنان در سخنانش او را تحقیر و توبیخ کرد که گویا شخصیتی معظم و بزرگ، با کودکی خردسال صحبت می کند

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «علیکم بالقرآن فاتخذوه اماما و قائدا، فانه کلام رب العالمین»^(۱) بر شما باد قرآن که آن را پیشوا و رهبر خود قرار دهید؛ زیرا گفتار پروردگار جهانیان است.»

کتاب ایزد است ای مرد دانا معدن حکمت که تا عالم به پای است اندر این معدن همی پاید^(۲) به این سبب، آن حضرت در این

۱. کشف الغمة، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشم، تبریز، ج ۲، ص ۱۶۴.
۲. ناصر خسرو.

الْأَرْضِ وَ آفَاقِ السَّمَاءِ فَاصْبِحْنَا نَسَاقُ
كَمَا تُسَاقُ الْأَسَارَى؛ ای یزید! تو [به
خیال باطل خود] چنین می پنداری که
چون اطراف زمین و آفاق آسمان را بر
ما بستنی [و راه چاره را بر ما مسدود
کردی] تا آنجا که ما را همانند [بردگان
و] اسیران [کفار، دیار به دیار،] به هر
سو کشاندی.»

۴. زوال پندارهای اهل باطل

خداوند متعال در قرآن ^(۳) پیروزی
ظاهری و موقتی اهل باطل را به کف
روی آب تشبیه می کند و اهل حق و
حقیقت را به آب زلال و روان مثال
می زند.

۳. «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِمَقْدَرِهَا
فَأَخْتَمَلُ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي
النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ
اللَّهُ الْخَاطِئِينَ وَالْبَاطِلُ فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا
مَا يَتَّبِعُ النَّاسُ فَيَمُوتُ كَمَا يَمُوتُ الْفِئَةُ فِي الْأَرْضِ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ
اللَّهُ الْأَمْثَالَ»: رعد/ ۱۷؛ «خداوند از آسمان، آبی
فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها
سیلابی جاری شد. سپس سیل بر روی خود
کفی حمل کرد و از آنچه [در کوره‌ها] برای به
دست آوردن زینت الات یا وسایل زندگی، آتش
روی آن روشن می کنند نیز کفهایی مانند آن به
وجود می آید - خداوند، حق و باطل را چنین
مثل می زند! - اما کفها به بیرون پرتاب می شوند؛
ولی آنچه به مردم سود می رساند (آب یا فلز
خالص) در زمین می ماند. خداوند، این چنین مثال
می زند!»

آن، عجله و شتاب می شود و کيفر آن
به آخرت نمی ماند: ناراضی ساختن
پدر و مادر، ستم بر مردم و ناسپاسی
در برابر احسان [دیگران]. «علی علیه السلام نیز
فرمود: «فَاللَّهِ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبُغْيِ وَ آجِلِ
وَ خَامَةِ الظُّلْمِ»^(۱) پس، خدا را! خدا را! از
تعجیل [در عقوبت و کيفر] ظلم و ستم
بر حذر باشید، و از آینده دردناک ظلم
[بترسید].» بنابراین:

از تیر آه مظلوم، ظالم امان نیابد
پیش از نشانه خیزد، از دل فغان کمان را^(۲)
حضرت زینب علیها السلام با توجه به این
حقیقت، این سنت الهی را به رخ یزید
کشید و با استیضاح یزید، پیروزی
خیالی وی را به سخره گرفت و به تمام
ستمگران و مستکبران عالم فهمانید که
لذت حیوانی غلبه اهل باطل بر لشکریان
حق، موقتی است و خیلی زود به پایان
خواهد رسید و آثار زشت جنایات آنان
در پرونده ننگینشان برای همیشه باقی
خواهد ماند و در این باره فرمود: «أ
ظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر مشهور،
قم، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۱۹۲.
۲. صائب.

سعی می‌کند خود را به لباس او درآورد و از حیثیت او استفاده کند؛ همان‌گونه که «هر دروغی از راست فروغ می‌گیرد» که اگر سخن راستی در جهان نبود، کسی هرگز دروغی را باور نمی‌کرد و اگر جنس خالصی در جهان نبود، کسی فریب جنس قلابی را نمی‌خورد؛ بنابراین حتی فروغ زودگذر باطل و آبرو و حیثیت موقت او به برکت حق است؛ اما حق، همه جا متکی به خویشتن و آبرو و اثر خویش است.^(۱)

با توجه به این فرق روشن، بین حق و باطل، فراز بعدی خطبه زینب کبری علیها السلام کاملاً روشن می‌شود که حضرت، پیروزی موقتی یزید را همانند کف روی آب می‌داند که به زودی از بین می‌رود و اما جریان زلال حماسه عاشورا و هدف والای سالار شهیدان، همانند آب صاف و زلال، روز به روز شفاف‌تر به راه خود ادامه داده و انسانهای تشنه معرفت و حقیقت را سیراب خواهد کرد به این سبب، دختر شجاع علی علیه السلام، پیروزی ظاهری یزید را به تمسخر می‌گیرد و

۱. تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، بی‌جا، دارالکتب الاسلامی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۶۷.

قرآن در این مثال پر معنا، منظره حق و باطل را به عالی‌ترین صورتی ترسیم کرده، حقایق فراوانی را بیان می‌کند تا شناخت حق و باطل که همان شناخت واقعیتها از پندارهاست برای مردم آسان شود. از این مثال می‌فهمیم که باطل همواره مستکبر، بالانشین، پر سر و صدا؛ ولی تو خالی و بی‌محتواست؛ اما حق، متواضع، کم سر و صدا، اهل عمل و پرمحتواست.

حق، همیشه مفید و سودمند است؛ همچون آب زلال، که مایه حیات و زندگی است؛ اما باطل، بی‌فایده و بیهوده است، نه کفهای روی آب، هرگز کسی را سیراب می‌کنند و درختی را می‌رویاندند و نه کفهایی که در کوره‌های ذوب فلزات ظاهر می‌شود و نمی‌توان از آنها زینتی و یا وسیله‌ای برای زندگی ساخت و اگر هم مصرفی داشته باشند، مصارف بسیار پست و بی‌ارزش‌اند که به حساب نمی‌آیند؛ همانند صرف کردن خاشاک برای سوزاندن.

حق، همیشه متکی به نفس است؛ اما باطل از آبروی حق مدد می‌گیرد و

سخنان کوبنده اش را همانند پتکی بر اندیشه های باطل یزید فرود می آورد و او را تحقیر می کند و دنیا را در نظرش تیره و تار می سازد.

حضرت با اشاره به اندیشه های باطل وی فرمود: «أَنَّ بِنَا عَلَى اللَّهِ هَوَانًا وَبِكَ عَلَيْهِ كَرَامَةٌ؟ وَأَنَّ ذَلِكَ لِعِظَمِ خَطْرِكَ عِنْدَهُ؟ فَشَمَخْتَ بِأَنْفِكَ وَنَظَرْتَ فِي عِظْفِكَ جَذْلَانَ مَسْرُورًا!» [ای یزید!] آیا چنین می پنداری که ما نزد خدا خوار هستیم و تو نزد خدا گرامی هستی؟ و می پنداری این چیره شدن تو بر ما، بیانگر شکوه و ارزشمندی تو در پیشگاه خداست؟ از اینرو بینی بالا کشیدی و تکبر کردی و به خود بالیدی، و خرم و شادان شدی.

«حِينَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا لَكَ مُشْتَوْسَعَةً وَالْأُمُورَ مُتَسِسِقَةً وَحِينَ صَفَا لَكَ مُلْكُنَا وَ سُلْطَانُنَا؛ آن زمانی که دیدی چند روزی روزگار به وفق مراد تو می چرخد و کارهای تو منظم شده است و آن زمان که ملک و مقام رهبری ما، برای تو صاف و هموار شده اند. [زهی خیال باطل!!]»

زیرا این چیرگی موقت و زودگذر، همانند کف روی آب تمام می شود و چهره حقیقتگران عاشورا، همانند آب زلال در پهنای تاریخ روشن و درخشان خواهد شد.

۵. مهلت خداوند برای ستمگران

سنت تغییر ناپذیر خداوند متعال، هشدار برای همه اهل باطل است که حتماً از عواقب کار خود بترسند. مهلت دادن خداوند به اهل باطل نه به سود آنان، بلکه برای آزمایش و سنگینی گناه و مجازات بیش ترشان است؛ چنان که می فرماید: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأَمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ»^(۱) «و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد و به آنها مهلت می دهیم [تا مجازاتشان دردناک تر باشد]؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی و حساب شده است [و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست].» عقیده بنی هاشم نیز با استناد به آیه ۱۷۸ سوره آل عمران که می فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

أَنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١﴾

مهلت دادن خداوند متعال به رهروان راه باطل را نه به نفع آنان، بلکه برای آزمایش و خواری بیش‌ترشان قلمداد فرمود و به یزید و پیروانش اعلام کرد که این فرصت و مهلت، از دست آنان خواهد رفت و عذاب خوار کننده‌ای در انتظارشان خواهد بود.

امروز جشن گرفته‌ای و شادی می‌کنی چنین می‌پنداری که چون جهان را بر ما تنگ کرده و یک مشت زن و کودک را همچون اسیران از این دیار به آن دیار می‌کشانی، نشانه قدرت و اقتدار حکومتی و ارزشمندی تو نزد خداوند است؟! اشتباه می‌کنی این فرصت آزادی عمل، بار گناهانت را سنگین‌تر و عذاب دردناک را به تو نزدیک می‌کند.

بانوی حماسه آفرین عاشورا از مجلس یزید به تمامی جنایتکاران در طول تاریخ اخطار کرد که پیروزی موقتی آنان و آزادی عملی که دارند به این معنا نیست که افرادی صالح و درستکارند و خداوند از آنان خشنود است؛ بلکه برعکس، خداوند متعال با مهلتی که به آنان داده است در حقیقت، آنان را به حالشان رها کرده است؛ زیرا لیاقت و شایستگی هدایت ندارند. آنان در این فرصت، طغیان و سرکشی را به اوج خود می‌رسانند و بارشان سنگین‌تر و کيفرشان بیش‌تر خواهد بود.

ای یزید! هر کاری از دست تو ساخته است انجام بده به خدا سوگند! هرگز نور ما را نمی‌توانی خاموش کنی و این چراغ هدایت، همچنان تا روز قیامت نور افشانی می‌کند و خواهد درخشید.^(۱)

حضرت زینب علیها السلام یزید نهیب می‌زند: «مَهْلًا مَهْلًا أُنَسِيتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ [ای یزید!] آرام باش، آرام باش، آیا سخن خدا را فراموش کرده‌ای که فرمود: آنها که کافر شدند تصور نکنند که اگر به آنها مهلت می‌دهیم به سود آنهاست، ما

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۸۴.

عدالت در قاموس اهل باطل، این است که فرزند آزادشدگان، زنان و کنیزان خود را در پس پرده و حجاب نگه داشته؛ اما دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را هتک حرمت کنند و آنان را در کوچه و بازار به عنوان اسیر جنگی بگردانند؟! آری این توقع بی جایی است که زینب کبری علیها السلام از فرزند هند جگرخواره داشته باشد.

حضرت زینب علیها السلام در ادامه به علت جسارت گنهکاران و اهانت به فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و پشیمانی زودرس آنان پرداخته و دست به دعا و نفرین بر می‌دارد و متذکر می‌شود که تمام عواقب این جنایات در نهایت به خود آنان برمی‌گردد و مطمئناً خداوند متعال، انتقام مظلومان را از ظالمان خواهد گرفت. حضرت می‌فرماید: «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطُّلُقَاءِ؟! تَخْدِيْرُكَ حَرَائِرِكَ وَ إِمَاءِكَ؟! وَ سَوْفُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَبَائِيَا؟! قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتِ وُجُوهُهُنَّ؛ تَخْدُوْ بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ؛ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَ الْمَنَاقِلِ؛ وَ يَتَصَفَّحُ وُجُوهُهُنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ وَ الذَّنْبِيُّ وَ الشَّرِيفُ؛ لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ

به آنها مهلت می‌دهیم که بر گناهانشان بیفزایند و عذاب خوار کننده ای برای آنها باشد.»

۶. تفاوت عدالت الهی با عدالت یزیدی؟!

استفاده ابزار از مذهب، از حرب‌های رایج اهل باطل در فریب دادن افکار عمومی است. آنان از واژه‌های مقدس برای تحمیل حکومت خود و سلطه بیش‌تر بهره می‌برند؛ همچنان که امروزه هم، این رسم پا برجاست. کلمات مقدس عدالت، آزادی، حقوق بشر، اصلاحات، از جمله واژه‌های مردم فریبی است که مورد سوء استفاده مستکبران عالم قرار گرفته است. آن بانوی بزرگوار با کمال هشیاری به این حربه یزید می‌تازد و وی را در میان افکار عمومی به محاکمه می‌کشد که: تو که در جایگاه پیامبری نشسته‌ای که مظهر عدالت بود، آیا چنین عدالت را اجرا می‌کنی؟!

آن حضرت آنگاه به مفهوم عدالت یزیدی پرداخت و آن را به صورت شایسته‌ای برای آیندگان ترسیم فرمود و با ندای رسا اعلام کرد که آیا معنای

بانوی حماسه آفرین عاشورا
از مجلس یزید به تمامی
جنایتکاران در طول تاریخ
اخطار کرد که پیروزی موقتی
آنان و آزادی عملی که دارند
به این معنا نیست که افرادی
صالح و درستکارند و خداوند
از آنان خشنود است

حضرت به ریشه شخصیت فاسد
وی می پردازد و دودمان جنایتکارش را
به رخس می کشد که بخشی از ستمها و
اعمال ننگین یزید، مرهون آبا و اجداد
جنایت پیشه اوست. آن بانو در ادامه
خطبه می فرماید: «كَيْفَ يُرْتَجَى مُرَاقِبَةٌ
مَنْ لَفَظَ فَوْهُ أَكْبَادَ الْأَرْكَبَاءِ وَ تَبَّتْ لِحْمُهُ
بِدِمَاءِ الشُّهَدَاءِ؛ به راستی چگونه توقع و
امید دلسوزی از [پسر آن] کسی باشد
که دهانش جگر پاکان را جوید و بیرون
انداخت و گوشتش از خون شهیدان
روید.»

«و كَيْفَ يَسْتَبْطِئُ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ مَنْ نَظَرَ إِلَيْنَا بِالشَّنْفِ وَ الشَّنَانِ وَ
الإِحْنِ وَ الْأَضْعَانِ؛ و چگونه در بغض
و کینه نسبت به ما اهل بیت کوتاه آید

رَجَالِهِنَا وَلِيُّ وَ لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِيٌّ؛ ای
پسر کسانی که آزاد شده اند (کسانی که
جدمان پیامبر ﷺ در فتح مکه اسیرشان
کرد و سپس آنان را آزاد ساخت!) آیا
این عدالت است که تو زنان و کنیزان
خود را پشت پرده بنشانی و دختران
رسول خدا ﷺ را به صورت اسیر به
این سو و آن سو بکشانی؟ پوشش آنان
را دریدی و روی آنان را گشودی؛ تا
دشمنان، آنان را از شهری به شهر دیگر
ببرند و بومی و غریب، به آنها چشم
بدوزند و نزدیک و دور، شریف و غیر
شریف، چهره آنان را بنگرند. از مردان
آنها سرپرستی نمانده و از حمایت
کنندگان ایشان، کمک کننده ای باقی
نمانده است.»

۷. علت کینه یزید از اهل بیت ﷺ!

خاتون دو سرا در سخنان بلند خود
متذکر می شود که هرگز از فرزندان پدر و
مادر ستم پیشه، انتظار دلسوزی و ترحم
نداشته باشید که یک خیال واهی است؛
همچنان که صائب تبریزی می گوید:

اظهار عجز پیش ستمگر روا مدار

اشک کباب، موجب طغیان آتش است

[و کندی کند] آن کسی که به ما با نظر

گوش آنان می‌رسد.»

دشمنی و کینه توزی می‌نگرد.»

«فَلْتَرَدَنَّ وَشِيكًا مَّوْرِدَهُمْ وَ لَتَوَدََّنَّ

«ثُمَّ تَقُولُ غَيْرَ مَتَأْتُمْ وَلَا مُسْتَعْظِمِ

أَتَكَّ شَلَّتْ وَ بَكِمَتْ وَ لَمْ تَكُنْ قُلْتَ مَا

وَ أَهْلُوا وَ اسْتَهْلُوا فَرِحًا ثُمَّ قَالُوا يَا يَزِيدُ

قُلْتَ وَ فَعَلْتَ مَا فَعَلْتَ؛ وَلِي بِهِ هَمِينِ

لَا تُشَلُّ مُنْتَحِيًّا عَلَيَّ ثَنَائِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

زودی به آنجا که آنها هستند خواهی

سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ تَنْكُثُهَا بِمُخَصَّرَتِكَ؛

رفت و آن وقت آرزو می‌کنی که ای

ای یزید! تو [با کمال پر رویی،] بدون

کاش دستت شل بود و زیانت لال، و

آنکه خود را گنهکار بدانی و بزرگی این

آنچه گفתי، نمی‌گفتی و آنچه کرده ای

گناه را درک کنی، می‌گویی: کاش پدرانم

نمی‌کردی.»

بودند و شادی سر می‌دادند و می‌گفتند:

نمی‌کردی.»

بودند و شادی سر می‌دادند و می‌گفتند:

نمی‌کردی.»

دست مریزاد ای یزید! در حالی که با

مباش ای مدعی مغرورِ ظلم و جور و بیدادت

چوب خیزران، به دندانهای اباعبدالله

برآرد دود از افلاک، یک آه سحرگاهی

سرور جوانان اهل بهشت اشاره می‌کنی

از دعاهایی که هیچ شکی در

و بر دندانهای او می‌زنی.»

مستجاب شدنش نیست، دعای مظلوم

«وَ كَيْفَ لَا تَقُولُ ذَلِكَ وَ قَدْ نَكَاتَ

است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ثَلَاثُ

الْقَرْحَةِ وَ اسْتَأْصَلْتَ الشَّافَةَ بِإِرْقَاتِكَ دِمَاءَ

دَعَوَاتِ مُسْتَجَابَاتٍ لَا شَكَّ فِيهِنَّ دَعْوَةُ

ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ نُجُومِ الْأَرْضِ مِنْ آلِ

المُظْلُومِ وَ...»^(۱) سه دعا است که بدون

عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ تَهْتِفُ بِأَشْيَاخِكَ زَعَمْتَ

شک، اجابت می‌شود: [یکی] دعای

أَنَّكَ تُنَادِيهِمْ؛ چرا چنین نگویی؟! تو

مظلوم است و ...»

که پوست از زخم ما برداشتی و با

در اینجا شیر زن خاندان رسالت نیز

این خونی که از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و

در اوج مظلومیت، با توسل به سلاح

ستارگان درخشان روی زمین از خاندان

دعا، از محضر حضرت حق، دادخواهی

عبدالمطلب بر زمین ریختی؟ پدرانت را

می‌کند و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا وَ

صدا می‌زنی و می‌پنداری که صدایت به

می‌کند و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا وَ

صدا می‌زنی و می‌پنداری که صدایت به

می‌کند و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا وَ

صدا می‌زنی و می‌پنداری که صدایت به

می‌کند و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ خُذْ بِحَقِّنَا وَ

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۴

انْتَقِمَ مِمَّنْ ظَلَمْنَا وَ أَخْلِلْ غَضَبِكَ بِمَنْ سَفَكَ دِمَاءَنَا وَ قَتَلَ حُمَاتِنَا؛ خدایا حق ما را بازستان و از آنان که به ما ستم کردند انتقام بگیر و خشم خود را بر کسانی که خونهای ما را ریختند و یاران ما را کشتند، فرود آر.» و خطاب به طاغوت زمان می گوید: «فَوَ اللَّهُ مَا فَرَيْتَ إِلَّا جِلْدَكَ وَ لَا جَزَزْتَ إِلَّا لِحْمَكَ؛ سوگند به خدا، جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خود را نبریدی.»

حذر کن ای عوان^(۱) از نوحه مظلوم و اشک او که می ترسم کند کارِ دعای نوح و طوفانش

۹. دفاع از فرهنگ شهادت

از منظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام مقام شهادت، رفیع ترین مقامی است که یک بنده شایسته به آن نایل می شود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ؛^(۲) بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا اینکه شخص در راه خدا به شهادت برسد. هنگامی که در

راه خدا به شهادت رسید، دیگر بالاتر از آن نیکی وجود ندارد.» علی علیه السلام هم همواره آرزوی رسیدن به چنین مقامی را داشت و می فرمود: «إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَ الَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مَيْتَةٍ عَلَيَّ الْفِرَاشِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ؛^(۳) همانا، گرامی ترین مرگها کشته شدن [در راه خدا] است. قسم به آنکه جان پسر ابوطالب در دست اوست، هزار مرتبه ضربه شمشیر خوردن، بر من آسان تر است، تا در بستر مردن در غیر طاعت خدا.»

آنان که ره دوست گزیدند همه در کوی شهادت آریدند همه در معرکه دو کون فتح از عشق است هر چند سپاه او شهیدند همه پیام آور خون شهیدان دشت نینوا، در سخنرانی خود به نحو شایسته ای، مقام شهیدان را از منظر وحی بیان می کند و با عبارات خود، به تفسیر آیه شهادت می پردازد و پیروزی حقیقی شهیدان در دادگاه عدل الهی را اعلام می دارد: «وَلْتَرَدَّنَّ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ بِمَا

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳.

۱. ظالم.
۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، بی جا، دارالکتب الاسلامی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۸.

و اعتماد به نفس و اعتقاد تام به این آیه شریفه که می فرماید: ﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۱) «من بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام. هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر اینکه او بر آن تسلط دارد؛ [اما سلطه‌ای با عدالت! چرا که] پروردگار من بر راه راست است!» به خطبه خود ادامه می‌دهد و خطابه‌اش را به اوج می‌رساند.

بانوی با شهامت خاندان وحی در فرازهای آخر به بازی شگفت انگیز روزگار اشاره می‌کند و با مثالهایی شایسته و مناسب اندیشه‌های غلط طاغوت صفتان را توضیح می‌دهد و با توکل به خدای متعال به جاودانگی یاد و خاطره و پیام حماسه سازان عاشورا می‌پردازد و عجز و ناتوانی ستمگران را در مقابله با این فرهنگ آسمانی خاطر نشان می‌شود.

او در مقابل طاغوت ستمگری که تمام ممالک اسلامی را زیر سیطره قدرت خود دارد، چنان با شهامت

تَحَمَّلَتْ مِنْ سَفْكِ دِمَاءِ ذُرِّيَّتِهِ وَانْتَهَكَتْ مِنْ حُرْمَتِهِ فِي عِزَّتِهِ وَ لُحْمَتِهِ حَيْثُ يَجْمَعُ اللَّهُ شَمْلَهُمْ وَ يَلْمُ شَعْتَهُمْ وَ يَأْخُذُ بِحَقِّهِمْ «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛ ای یزید! هر آینه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌شوی با همین باری که از ریختن خون فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و هتک حرمت او درباره خاندان و خویشاوندانش بر دوش داری. هنگامی که خداوند همه را جمع می‌کند و حق آنان را باز می‌گیرد. [قرآن فرموده است:] هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و در پیشگاه خدا [از نعمتها و مواهب] روزی داده می‌شوند.»

«حَسْبُكَ بِاللهِ حَاكِمًا؛ وَ بِمُحَمَّدٍ خَصِيمًا وَ بِجَبْرَائِيلَ ظَهِيرًا؛ ای یزید! همین [بیچارگی] تو را بس که [در روز قیامت،] داوری چون خداوند، و [خونخواه و] خصمی چون محمد صلی الله علیه و آله داری، که جبرئیل پشتیبان اوست.»

۱۰. اعتماد به نفس، ثمره ایمان واقعی

دختر زهرای اطهر علیها السلام با دلی مملو از ایمان و سرشار از توکل به خدا

تو در نظر من، ناچیز و اندک و سرزنش تو بزرگ و ملامت و توبیخ تو بسیار است؛ ولی چه کنم که چشم‌ها پر اشک است و سینه‌ها سوزان.»

گریزی به شهادت عزیزان

«أَلَا فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِقَتْلِ حِزْبِ
اللَّهِ التُّجَبَاءِ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ الطَّلَقَاءِ؛ آگاه
باش که بسی شگفت‌آور است که افراد
نجیب حزب خدا در جنگ با احزاب
شیطان که بردگان آزاده شدند، به
شهادت می‌رسند.»

«فَهَذِهِ الْأَيْدِي تَنْطَفُ مِنْ دِمَائِنَا وَ
الْأَفْوَاهُ تَتَحَلَّبُ مِنْ لُحُومِنَا وَ تِلْكَ الْجُنُثُ
الطَّوَاهِرُ الزَّوَاقِي تَنْتَابُهَا الْعَوَاسِلُ وَ تَعْفُوهَا
أُمَّهَاتُ الْفِرَاعِلِ؛ خون ما از سرپنجه‌های
شما می‌ریزد و گوشت‌های ما از دهان‌های
شما بیرون می‌افتد. این پیکرهای پاکیزه
عزیزان است که خوراک گرگ‌های درنده
شما شده و زیر چنگال کفتارها به خاک
آلوده شده است.»

«وَ لَئِنِ اتَّخَذْتَنَا مَعْنَمَا لَتَجِدُنَا وَشِيكًا
مَعْرَمًا حِينَ لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَّمْتَ وَ مَا رَبُّكَ
بِظُلَامٍ لِلْعَبِيدِ؛ اگر [امروز] ما را برای
خود غنیمتی می‌پنداری به همین زودی

سخن می‌گویند که ارکان قدرت او و
تمام وجودش را به لرزه در می‌آورد و
می‌فرماید: «ای یزید! گرچه در ظاهر
پیشامدهای ناگوار، مرا با تو رو به رو
کرده و به گفتگو کشانده است، من
برای تو ذره‌ای ارزش قائل نیستم، تو
را تحقیر می‌کنم و سرزنش و ملامت و
توبیخ می‌کنم؛ اما چه کنم که چشم‌ها پر
از اشک است و سینه‌ها سوزان.»

«وَ سَيَعْلَمُ مَنْ سَوَّلَ لَكَ وَ مَكَّنَكَ
مِنْ رِقَابِ الْمُسْلِمِينَ بَشَسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا وَ
أَيُّكُمْ شَرُّ مَكَانًا وَ أَضْعَفُ جُنْدًا؛ به زودی
آن کس که تو را فریب داد و بر گردن
مردم سوار کرد (یعنی معاویه) خواهد
فهمید که برای ستمکاران، عوض بدی
در انتظار است و خواهد فهمید که کدام
یک از شما جایگاهش بدتر و سپاهش
ناتوان‌تر است.»

«وَ لَئِنِ جَرَّتْ عَلَيَّ الدَّوَاهِي مُخَاطَبَتِكَ
إِنِّي لَأَسْتَصْغِرُ قَدْرَكَ وَ أَسْتَعِظُمُ تَقْرِيعَكَ
وَ أَسْتَكْبِرُ تَوْبِيخَكَ لَكِنَّ الْعُيُونَ عَبْرِي
وَ الصُّدُورَ حَرِّي؛ اگر چه پیشامدهای
ناگوار روزگار، مرا به سخن گفتن با تو
کشانده است؛ ولی در عین حال، ارزش

خواهی دید که ما به زیانت بوده‌ایم و آن هنگامی است که هر چه از پیش فرستاده‌ای خواهی دید و پروردگار تو بر بندگان ستم روا نمی‌دارد.»

«فَالِئِی اللَّهِ الْمُشْتَكِی وَ عَلَیْهِ الْمُعْوَلُ؛
من به خدا شکایت می‌برم و به او توکل می‌کنم.»

۱۱. خبر غیبی حضرت زینب علیها السلام از آینده

آن گرامی در ادامه خطبه، از آینده دردناک یزیدیان خبر داده است و فردای درخشان حماسه آفرینان عاشورا و پیروزی همیشگی مرام حسینی را نوید می‌دهد و به دشمن نهیب می‌زند که: «فَكَيْدُ كَيْدِكَ وَ اَسْعَ سَعْيِكَ وَ نَاصِبُ جُهْدِكَ فَوَ اللَّهُ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيتُ وَحْيَنَا وَ لَا تُدْرِكُ اَمَدَنَا وَ لَا تَدْحَضُ عَنْكَ عَارَهَا؛ ای یزید؛ هر نیرنگی که خواهی بزن و هر اقدامی که توانی، بکن و هر کوشش که داری، دریغ مدار، سوگند به خدا که نمی‌توانی نام ما را محو کنی و نمی‌توانی نور وحی ما را خاموش سازی. تو نمی‌توانی عظمت امر ما را درک کنی و ننگ این ستم را هرگز از خود نتوانی زدود؟!»

«وَ هَلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَنَدُ وَ اَيَّامَكَ إِلَّا عَدَدُ وَ جَمْعَكَ إِلَّا بَدَدُ يَوْمَ يَنَادِ الْمُنَادِ اَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ آیا غیر از این است که رأی، طرح و نقشه‌های تو سست و مدت حکومت تو اندک و جمعیت تو پراکنده است؟ آن روزی که منادی فریاد می‌زند: آگاه باشید، لعنت خدا بر گروه ستمکاران باد.»

این سخنان که همه خبرهای غیبی است و از زبان یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله تراوش می‌کند، بخش دیگری از شخصیت زینب کبری علیها السلام را آشکار می‌کند. آن سلاله روشن بین علوی و فاطمی، در آن موقعیت حساس و تاریخی - که هیچ سخنور ماهری، حتی قادر به تعادل در گفتار نیست - چنان با اعتماد به نفس عمیقی خبر از آینده داده و طوری پیش بینی دقیقی می‌کند که ما بعد از صدها سال نتایج آن را به وضوح مشاهده می‌کنیم. آری امروزه پیش بینی حضرت زینب علیها السلام به وقوع پیوسته و دشمنان امام حسین علیه السلام خوار و رسوا شده و عظمت نام و یاد و حماسه حسینی علیه السلام همه عالم را فرا گرفته است. آری:

ای که در کرب و بلا بی کس و یاور گشتی چشم بگشا و بین خلق جهان یاور توست در زیارت اربعین شهادت می دهیم که: «وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَن خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَن قَتَلَكَ»^(۱) و من گواهی می دهم که یا ابا عبدالله، خداوند متعال به آنچه وعده فرموده بود عمل کند و کسانی را که تو را تنها گذاشته بودند ذلیل کند و قاتلان را به عذاب و کیفر [اعمال ننگینشان] برساند.»

حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»^(۲) حمد و سپاس، خداوندی که ابتدای کار ما را به سعادت و مغفرت، قرین ساخت و انتهای امر ما را به شهادت و رحمت ختم گردانید. از درگاه خدا می خواهیم که پاداش آنان (شهیدان) را کامل کند و بر پاداش آنان بیفزاید و ما را جانشینان صالح آنها قرار دهد. او مهربان و دوستدارنده است. خداوند، ما را بس است و [او] وکیل [و سرپرستی] نیکوست.»

۱۲. افتخار به مقام ایثار و شهادت

سرانجام، عقیده بنی هاشم، بانوی سخنور و خطیب قدرتمند خاندان وحی، با افتخار تمام برای شهادت عزیزانش در راه خداوند متعال می بالد و با سپاس و تقدیر از منزلت والای خاندانش خطابه تاریخی خود را به پایان می برد: «فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَتَمَ لَأَوْلِيَانَا بِالسَّعَادَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ لآخِرِنَا بِالشَّهَادَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُكْمِلَ لَهُمُ الثَّوَابَ وَ يُوجِبَ لَهُمُ الْمَزِيدَ وَ يُحْسِنَ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ إِنَّهُ رَحِيمٌ وَ دُودٌ وَ

یزید در جواب این کلام رسا و خطاب حکیمانه چنان در مانده و ناتوان شد که فقط عاجزانه به این جمله بسنده کرد: «این فریادی است که از زنان نوحه گر شایسته است، و چقدر مرگ برای زنان دلسوخته و نوحه گر آسان است.»^(۳)

۲. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفا، بی تا، ج ۴۵، ص ۱۳۳ - ۱۳۵؛ مقتل خوارزمی، موفق بن احمد خوارزم، نشر مفید، قسم، بی تا، ج ۴، ص ۶۴۶. شرحی بر خطبه های حضرت زینب رضی الله عنها، نگارنده، قم نشر فرهنگ اهل بیت رضی الله عنهم، بی تا.
۳. فقال یزید:

يَا صَبِيحَةَ مُحَمَّدٍ مِنْ ضَوَانِحِ مَا أَهْوَى الْمَوْتُ عَلَى التَّوَانِحِ (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۵)

۱. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ج ۶، ص ۱۱۴.